

بحث: آیا دشنام دادن در مقام تقاص و مقابله به مثل جایز است؟

در این باره مطالبی در کلمات فقها مطرح است. بحث را با اشاره به فرمایش نهج البلاغه مطرح می کنیم:

(۱) نهج البلاغه:

«روی أنه (عليه السلام) كان جالساً في أصحابه، فمرت بهم امرأة جميلة، فرمقها القوم بأبصارهم، فقال (عليه السلام): إن أبصار هذه الفحول طوامح؛ وإن ذلك سبب هبابها، فإذا نظرت أحدكم إلى امرأة تُعجبهُ فليأَمِسْ (فليلمس) أهلَهُ، فإنما هي امرأةٌ كأمراتِهِ. فقال رجل من الخوارج: «قاتله الله كافراً ما أفضه» فوثب القوم ليقتلوه، فقال (عليه السلام): رويداً إنمّا هو سبٌ بسبِّ، أو عفوٌ عن ذنب!»^۱

(طامح: کسیکه به غیر شوهر خود می نگرد، حریص / هباب: تحریک / وثب: از جا پریدن / رويدا: آرام باشید)

ما می گوئیم:

۱. «انما هو سب بسب او عفو عن ذنب» به معنای آن است که شأن چنین است که سب را یا به سب یا به عفو پاسخ می دهند. البته «ان تعفوا اقرب للتقوى»^۲ ولی در هر صورت برای کسی که به او سب کرده اند این حق هست که او هم سب کند. (اگر چه ممکن است عبارت را به گونه ای دیگر هم معنا کرد)
۲. این روایت می تواند تفسیری از «فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى عليكم» بوده و دال بر جواز سب (در صورتی که دیگری به این کار اقدام کرده است و به اندازه) باشد. البته بهتر است به حکم آیه شریفه «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۳ عفو صورت گیرد.

۳. ممکن است بتوان گفت که این مضمون، با مضمون روایتی از پیامبر موافق است:

«رسول الله (صلى الله عليه وآله): إن كان أحدكم ساباً لصاحبه لا محالة فلا يفتّر عليه ولا يسب والديه، ولا يسب قومه، ولكن إن كان يعلم ذلك فليقل: إنك لبخيل، أو ليقول: إنك لخبان، أو ليقول إنك لكذوب، أو ليقول: إنك لثؤوم»^۴ (ثؤوم: همیشه خواب)

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰

۲. سوره بقره، آیه ۲۳۷

۳. سوره فصلت، آیه ۳۴

۴. کنز العمال، ۸۱۳۳؛ به نقل از میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۳۸





همچنین ممکن است بتوان به عنوان شاهد برای جواز «مقاصه در شتم» به روایتی که سابقاً اشاره کردیم، استفاده نماییم. روایتی که در آن امیر المومنین، در داستان اجرای حد بر ولید فاسق او را تقاص یه سبّ کرده‌اند.^۱

۴. مرحوم خوبی ذیل روایت عبد الرحمن بن حجاج، مطلبی دارند که می تواند ذیل این عبارت پیامبر (ص) و امیر المومنین (ع) هم مطرح شود. ایشان می نویسند که اگر نفر اول شروع به سبّ کند، رابطه‌ی اخوت ایمانی بین او و طرف مقابل خدشه می پذیرد و لذا طرف مقابل می تواند او را سبّ کند چرا که حرمت سبّ ناشی از احترام برادر ایمانی است. (و لذا این گناه مثل نظر به نامحرم نیست، بلکه اعتداء و مقابله به مثلی است که جایز است).

«فالسب لا یقاس بغیره من المحرمات الذاتیه التي لم تکن من سنخ الحقوق و لم تثبت حرمتها لاجل احترام المومن، کالمنظر الی اخت الغیر او زوجته فانه لا یجوز للزوج او اخ المنظور الیها ان ینظر الی اخت الناظر او زوجته انتقاماً، فان حرمة سب المومن انما تثبت لاجل احترامه و للاخوة التي سنّها الشارع بین المومنین، فاذا بدأ احد بسب اخیه المومن خرج عن تلك الاخوة الثابته بینهما و انقطعت العصمة منهما و یلغی احترامه فیجوز الانتقام منه بالمثل، و هذا بخلاف سائر المحرمات الالهیه.»^۲

۵. اما به نظر می رسد این سخن کامل نیست چرا که علت تحریم سبّ معلوم نیست که «احترام طرف مقابل» باشد و چه بسا علت نهی از این عمل، پاک داشتن نفس سبّ کننده از عمل قبیح باشد، همین مطلب مورد اشاره مرحوم شهیدی هم واقع شده است و ایشان درباره روایت عبد الرحمن بن حجاج می نویسند که:

«و لازمه الحكم بالحرمة و عدم جواز المقاصة به فلو ارتكب السبّ فلا بد فی رفع العقوبة مضافاً الی التوبة من اعتذار کل منهما من حیث انه ظالم الی الآخر من حیث انه مظلوم»^۳

۶. درباره این موضوع همچنین می توان به توضیحی که صدوق ذیل روایتی از قضاوت های امیر المومنین آورده است اشاره کرد. در این روایت نیز تجویز سبّ در مقابل سبّ مورد بحث است که صدوق آن را رد می کند.

۱. ن ک: روایت ۷۸

۲. محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۸۶

۳. هدایة الطالب، ج ۱، ص ۲۴۱



۷. به همین جهت نمی توان به روایت پیامبر (ص) چون ضعف سند دارد و به متن نهج البلاغه (چون هم سند ندارد و هم اضطراب دلالت دارد) تمسک کرد.

۸. اما ممکن است در دفاع از مرحوم خوئی بتوان به نکته ای از محقق اردبیلی اشاره کرد - چنانکه در عبارت مرحوم خوئی هم به آن اشاره شده است:-

مرحوم اردبیلی برای جواز تقاص در سب به آیه شریفه

«وَلَمَنْ اِنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُوْلٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ سَبِيلٍ»^۱

ترجمه:

«و کسی که چون ستمی بر او واقع شود از خود دفاع کند و یاری طلبد، هیچ ایرادی بر او نیست»

و آیه شریفه:

«فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ»^۲

ترجمه:

«شما نیز می توانید مقابله به مثل کنید. و تمام حرمت های شکسته شده، قابل قصاص است. و

بطور کلی هرکس به شما حمله کرد، همانند حمله وی بر او حمله کنید»

تمسک کرده اند. مرحوم خوئی نیز در این باره به آیه شریفه:

«لَا یُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَن ظَلِمَ»^۳

ترجمه:

«خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود، بدیهای دیگران را اظهار کند؛ مگر آن کس که

مورد ستم واقع شده باشد.»

اشاره می کنند در این باره در توضیح آیات شریفه سخن خواهیم گفت.

۱. سوره شوری، آیه ۴۱

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۴

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۸

بررسی آیات:

آیه اول) آیه شریفه سوره شوری:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹) وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (۴۰) وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ (۴۱) إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴۲)»^۱

ترجمه:

«و کسانی که هرگاه ستمی به آنها رسد تسلیم ظلم نمی‌شوند و یاری می‌طلبند. (۳۹) کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن؛ ولی هر کس عفو و اصلاح کند، پاداش او باخداست؛ به یقین او ستمکاران را دوست ندارد. (۴۰) و کسی که چون ستمی بر او واقع شود از خود دفاع کند و یاری طلبد، هیچ ایرادی بر او نیست؛ (۴۱) ایراد و مجازات بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق ظلم روا می‌دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی است! (۴۲)»

ما می‌گوییم:

۱. در این آیات شریفه ابتدا گفته می‌شود که مومنین در مقابل ظلم نباید سکوت کنند و باید به یاری ستم‌دیده برخیزند. پس ستم‌دیده نباید سکوت کند و باید طلب یاری کند و بقیه هم باید به یاری او بروند. این در صورتی است که «انتصر» را به معنای کمک خواستن بگیریم. ولی ممکن است «انتصر» را به معنای انتقام گرفتن معنی کنیم. که در این صورت با بحث مقابله به مثل سازگارتر است اما در ادامه گفته شده است که در مجازات ظالم نباید تجاوز از حد کرد و جزاء هر بدی، مجازاتش در همان حد است [البته اینکه مجازات هم سیئه نامیده شده است در حالیکه فی الواقع سیئه نیست و به سبب «مقابله» است]

۱. سوره شوری، آیات ۳۹-۴۲





و سپس آیه می فرماید که اگر عفو کنید بهتر است (و البته خداوند ظالمان را دوست ندارد و اگر دستور عفو داده شده است به سبب محبت نسبت به ایشان نیست. و صد البته در صورتی است که به ظلم مضاعف منجر نشود).

سپس قرآن می فرماید که کسی که مظلوم واقع شده و کمک می طلبد، یا انتقام می کشد ایرادی بر او وارد نیست و «سبیل» یعنی مجازات برای او مستقر نیست بلکه سبیل و مجازات در مورد کسانی است که بر مردم ظلم می کنند.

۲. نحوه استدلال به این آیه شریفه - چنانکه روشن است - آن است که اگر مظلوم که مورد سبّ واقع شده است، مقابله به مثل کند، مرتکب حرام نشده است و «سبیل بر او» مستقر نیست.

در میان اهل سنت هم نووی در شرح بر صحیح مسلم، به این آیه استدلال کرده است که مسبوب می تواند در مقام انتقام، سب کننده را سب کند.^۱

همچنین می توان به عبارت «جزاء سیئة سیئة مثلها» هم برای این بحث استدلال کرد. به این بیان که می توان هر بد را جزا داد از فاعل آن انتقام گرفت.

۳. از مرحوم مجلسی نقل شده است که ایشان گویا می خواهد بگوید اگر فرد دوم فقط در مقام انتقام است سبّ کردن برای او جایز است ولی اگر منتظر بوده است که فرصتی تا بتواند کینه خود را بشوید و به محض اینکه طرف دشنام داد، او هم کینه خود را می گشاید، مهیا شود آیه به آن صورت اشاره ندارد.^۲ این مطلب ظاهر قابل استفاده از فرمایش مجلسی نیست^۳ توجه شود که لازمه مطلب آن است که «قصد انتقام» دخیل است و دلیلی بر این مطلب موجود نیست.

۴. اما در این باره چند نکته قابل ملاحظه است

نخست آنکه، «سبیل» به چه معنی است و دوم اینکه آیا عدم سبیل بر کسی که نصرت می طلبد قابل تطبیق به ما نحن فیه است (و آیا کسی که اقدام به دشنام در مقام مقابله به مثل می کند نصرت طلبیده است؟)

۵. «سبیل» اگر چه به معنای راه است ولی در قرآن وقتی با «علی» متعدی می شود، ظاهراً به معنای مجازات (اعم از اخروی و دنیوی) است، چنانکه در آیه شریفه «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ»^۴ و آیه

۱. ن. ک: حاشیه محاضرات فی الفقه الجعفری، ج ۱، ص ۲۸۴

۲. حقوق انسان و سب و بهتان، ص ۸۷

۳. مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۲۶۴

۴. سوره توبه، آیه ۹۱



شریفه « إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ »^۱ چنین است. البته در مواردی هم تعدیه با «علی» به معنای حاکمیت و سیطره است که تناسب با همین معنی دارد چنانکه می فرماید: « لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا »^۲

۶. اما اینکه آیا آیه مربوط به بحث ما می باشد:

اگر انتصار را به معنای طلب نصرت بگیریم،^۳ آیه مربوط به انتقام گرفتن نیست تا بگوییم یکی از راه های انتقام، آن است که اگر کسی دشنام داد، انتقام از او، به آن است که به او دشنام دهد. بلکه اساساً آیه می گوید که باید به حکومت و مومنین پناه برد تا ظالم را سر جای خود بنشانند.^۴ ولی اگر انتصار را به معنای «انتقام گرفتن» بگیریم،^۵ می توان از آیه معنایی اعم از «انتقام گرفتن» و «تقاص کردن» هم در مورد مال و هم در مورد آبرو استفاده کرد.^۶

۷. این مطلب را در مورد روایت عبد الرحمن بن حجاج هم مطرح کردیم و گفتیم البته باید دشنام متقابل، از حدود شرعی خارج نشود (به قذف و کذب منجر نشود)^۷

۱. سوره توبه، آیه ۹۳

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۱

۳. مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۰۹

۴. التبیان، ج ۹، ص ۱۷۰

۵. نثر طویلی، ج ۲، ص ۸۷

۶. ن ک: حقوق انسان و سب و بهتان، ص ۸۷

۷. شرح اصول کافی (مازندرانی)، ج ۹، ص ۳۳۷